



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Delence Studies

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://ipr.isri.ac.ir>

Autumn 2025 & Winter 2026

Building and validating a socio-political stability model based on Ayatollah Khamenei's intellectual system: presenting a desirable strategy in post-war conditions

Ahmad yari*, Mohammad Torabi**, Ali Shirkhani***

10.22034/ipr.2026.552968.2317 :Doi

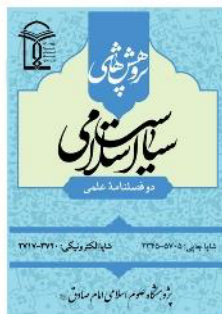
Receipt: 2025/10/12 - Revised: 2025/11/01- Accepted: 2026/02/10

(191-217)

Abstract:

The intellectual foundations of the two leaders of the Islamic Revolution—anchored in revelatory sources, a monotheistic ontology, and an Iranian-Islamic epistemology—have endowed revolutionaries and policymakers with significant capacities. Yet, previous research indicates that these foundations have not been sufficiently developed in many functional dimensions, particularly in applying their leadership models to political and social systems. Given that preserving political and social stability is now an existential issue for Iran and the Revolution, this study seeks to address methodological and epistemic gaps in earlier works by extracting and validating a political-social stability model grounded in the thought and practice of the Leader of the Revolution, and by offering a suitable strategy for the country's current situation. Employing structural equation modeling combined with scenario writing in a balanced effects matrix, the findings of confirmatory factor analysis identified four dimensions of stability—structural, mechanistic, epistemological, and pragmatic—encompassing 22 variables. The model demonstrated strong fit indices ($\chi^2 = 1.01$; NFI = 0.93; CFI = 0.91; RMSEA = 0.01). Elite structural analysis further revealed a desirable scenario consisting of three axes: synergistic unity, centered on aligning the Revolution-Iran's interests with diplomatic and field capacities; legitimacy enhancement, focused on raising ideological, normative, legal, and political awareness of the system's performance; and strategic motivation, emphasizing the creation of enthusiasm, hope, and vitality for service, progress, and defense of national rights. These findings are consistent with the Leader's orientations in the post-twelve-day war period and with prior scholarly media analyses.

Keywords: Thought; Crisis; Political Stability; Scenario Writing; Leadership; Modeling; Factor Analysis



*. Department of Politics, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. ahmadyari2025@chmail.ir.

** Department of Politics, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. mtorabi11347@gmail.com.

***. Department of Politics, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. rooz-1357@gmail.com.

Cite this article: Yari, Ahmad, and Torabi, Mohammad, and Shirkhani, Ali (1404). Building and validating a socio-political stability model based on Ayatollah Khamenei's intellectual system: presenting a desirable strategy in post-war conditions. *Islamic Policy Research*, 13 (28), 191-217, 10.22034/ipr.2026.552968.2317: Doi

Authors retain the copyright and full publishing rights.



Published by Imam Sadiq Research Institute for Islamic Sciences. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)
پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی
P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720
نشانی پانگه نشیبه: http://ipr.isri.ac.ir
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

ساخت و اعتباربخشی مدل ثبات سیاسی - اجتماعی بر اساس منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای: ارائه راهبرد مطلوب در شرایط پسا جنگ

احمد یاری*، محمد ترابی**، علی شیرخانی***

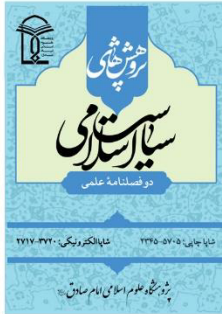
Doi :10.22034/ipr.2026.552968.2317

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ - تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱
(۱۹۱-۲۱۷)

چکیده

مبانی فکری امامین انقلاب، به‌رغم ظرفیت‌های نظری، در بسیاری از ابعاد کارکردی به خوبی پردازش نشده است. از آنجایی که در برهه کنونی حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی یک موضوع وجودی برای ایران و انقلاب است، تحقیق حاضر تلاشی است تا ضمن رفع نارسایی‌های روشی-معرفتی در پژوهش‌های پیشین به این سؤال اساسی پاسخ دهد که الگوی ثبات سیاسی-اجتماعی در منظومه فکری رهبر انقلاب دارای چه مؤلفه‌ها و متغیرهایی است و راهبرد مطلوب مبتنی بر این تفکر برای وضعیت کنونی کشور کدام است. بر همین اساس از تلفیق مدل‌سازی معادله ساختاری و سناریونویسی در ماتریس اثرات متوازن استفاده شد. یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی تعقیبی نشان داد که مدل ثبات سیاسی و اجتماعی در اندیشه و مشی رهبری دارای چهار بعد «ساختار ثبات»، «مکانیسم ثبات»، «معرفت-شناسی ثبات» و «پراگماتیک ثبات» و ۲۲ متغیر است که از شاخص‌های برآزش خوبی برخوردار است (مربع خی، ۰/۰۱؛ شاخص انطباق مبتنی بر نرم، ۰/۹۳؛ شاخص انطباق مقایسه‌ای، ۰/۹۱ و ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین، ۰/۰۱). نتایج تحلیل ساختاری نخبگانی نشان داد که سناریوی مطلوب در بردارنده سه محور اتحاد هم‌افزا، مشروعیت‌افزایی و انگیزش راهبردی است.

واژگان کلیدی: اندیشه، بحران، ثبات سیاسی، راهبرد نویسی، رهبری، مدل‌سازی، تحلیل عاملی.



- * دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. ahmadyari2025@chmail.ir
- ** دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. mtorabi11347@gmail.com
- *** استاد، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. rooz-1357@gmail.com

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از بدو شکل‌گیری در معرض انواع گوناگونی از بحران‌های سیاسی، اجتماعی، طبیعی و اقتصادی بوده است. در این میان، نقش بحران‌های برساخته ناشی از عداوت دشمنان، جنگ‌های تحمیلی و تحریم‌های ظالمانه بسیار قابل توجه بوده است اما باین حال این انقلاب از ثبات سیاسی و اجتماعی مناسبی برخوردار بوده است و در مقابل همه این موارد تاب‌آوری داشته است. اگرچه بسیاری از اندیشمندان این حوزه مانند نورث (North, 1990: 26) این تاب‌آوری و ثبات را ناشی از نهادهای مستحکم و انعطاف‌پذیری می‌دانند که در دل نهادها و نظام‌های سیاسی شکل گرفته است. همچنین نظریه پردازان مدرنی مانند برنز (Burns, 1978) لینز (Linz, 1978) نقش رهبران سیاسی فردی را در دوره‌های عدم قطعیت و تهدید حاد، برجسته‌تر از هر عامل دیگر عنوان کرده‌اند زیرا تصمیم‌گیری‌های پرخطر، پاسخ به تهدیدات، مدیریت عمومی، نظارت مؤثر بر اقدامات و ارتباطات و گزینش راهبردها توسط آن‌ها می‌تواند نیرویی محرک برای اقدام و انسجام اجتماعی و ثبات باشد و یا عاملی برای فروپاشی بیشتر نظام را فراهم کند. در این میان، نقش رهبری و مدیریت بحران آیت‌الله خامنه‌ای در میان رهبران معاصر جهان بی‌بدیل بوده است به نحوی که مورد تحلیل و تأیید بسیاری از محققان برجسته داخلی و خارجی قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به باخاش (Bakhash, 1990)، برومبرگ (Brumberg, 2001)، اوسانلو (Osanloo, 2009)، مالونی و سجادپور (Maloney & Sajadpour, 2009) و بسیاری از سیاستمداران دهه‌های اخیر اشاره کرد. باین حال مدل مدیریتی ایشان برای حفظ ثبات سیاسی-اجتماعی به صورت جامع و مانع مورد بررسی قرار نگرفته است. علاوه بر آن، تمایزات معرفت‌شناختی انقلاب اسلامی و مختصات خاص نظام ولایی باعث شده است تا مدل‌های حکمرانی و رهبری غربی در بافت جمهوری اسلامی ایران قابلیت اجرایی نداشته باشند. علیرغم ظرفیت‌های گسترده نظری انقلاب اسلامی و شواهد تجربی فراوان مبنی بر موفقیت نظام ولایی و رهبری امامین انقلاب، پردازش مناسبی از این شیوه مبتنی بر بوم ایران صورت نگرفته است و اغلب تحقیقاتی که به این موضوع پرداخته‌اند به دلیل اتخاذ رویکردی

بخشی و خطی فاقد جامعیت و مانعیت و به دلیل نارسایی‌های روشی و اتخاذ رویکردهای توصیفی و تحلیلی در پژوهش، فاقد اعتباربخشی و تعمیم هستند. از طرف دیگر، انگاره هدایت سیاسی و اجتماعی رهبر انقلاب متناسب با نوع و ماهیت بحران‌ها و فتنه‌های سیاسی و اجتماعی، دارای ماهیتی دینامیک و پویا بوده است که به وسیله تحقیقات ایستای مقطعی قابلیت بررسی ندارند. بر همین اساس، تحقیق حاضر با استخدام رویکرد تلفیقی در تحقیق و کاربست ظرفیت‌های نخبگانی و نرم‌افزاری، تلاشی برای تدوین و اعتباربخشی مدل ثبات سیاسی-اجتماعی در منظومه فکری رهبر انقلاب و ارائه راهبردی مطلوب برای حفظ این ثبات در شرایط کنونی است. از این رو، سوال اساسی در تحقیق حاضر این است که مدل ثبات سیاسی-اجتماعی بر اساس این منظومه کدام است، مؤلفه‌ها و متغیرهای تشکیل‌دهنده آن کدامند و راهبرد مطلوب حفظ ثبات سیاسی-اجتماعی در برهه پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بر اساس این مدل اندیشگانی کدام است؟

۱. مفهوم‌شناسی تحقیق

۱-۱. تعریف مدل

در چارچوب مدل‌سازی معادلات ساختاری، مدل یک بازنمایی نظریه‌محور از روابط فرضی بین سازه‌ها (متغیرهای پنهان) و شاخص‌های آن‌ها (متغیرهای مشاهده‌شده) است که به‌صورت نظام‌یافته از معادلات خطی و تخمین‌های هم‌زمان از طریق نرم‌افزارهای گوناگون استخراج می‌شود (Kline, 2005:34). از نظر عملیاتی، مدل «ثبات اجتماعی-سیاسی» در اندیشه‌های رهبر معظم نمایانگر سازه‌های پنهان مانند انسجام ایدئولوژیک، مشروعیت نهادی، انطباق مدنی، چشم انداز راهبردی و غیره است که هرکدام توسط چندین شاخص و از طریق ابزارهای تحقیق مانند پرسشنامه، کدهای تحلیل محتوا و مسیرهای ساختاری که اثرات جهت‌دار بین این سازه‌های پنهان را نشان می‌دهند در قالب یک انگاره استخراج می‌شوند. این انگاره در نهایت چارچوب نظری را فراهم می‌آورد که برآوردی تجربی را در اختیار کنشگران سیاسی و امنیتی کشور قرار می‌دهد.

۱-۲. ثبات سیاسی-اجتماعی:

ثبات سیاسی-اجتماعی وضعیتی است که در آن یک نظام سیاسی، ترتیبات حاکمیتی و مشروعیت نهادی خود را در طول زمان حفظ می‌کند و به آن امکان می‌دهد تا شوک‌ها را جذب کند، بدون تحولات عمده به عملکرد خود ادامه دهد و فرآیندهای سیاست‌گذاری عمومی قابل پیش‌بینی را حفظ کند (Vallier, 2007: 235). در بافت تحقیق حاضر، «ثبات اجتماعی-سیاسی» در اندیشه رهبر معظم، همان انگاره ذهنی است که توسط شاخص‌هایی مانند مشروعیت نهادی، تداوم سیاست و جلوگیری از تغییرات ناگهانی در حکومت، انسجام اجتماعی، همسویی هنجاری و دیگر متغیرهای نهفته که در حین تحقیق به صورت نخواستہ بروز خواهند یافت، عینیت می‌یابد. از آنجایی که ماهیت مدل در مطالعات مدل‌سازی امری پسینی است، تعریف دقیق عملیاتی آن امکان‌پذیر نیست.

۲. چارچوب نظری

نگاهی به پیشینه تحقیق در بافت غرب نشان می‌دهد که در تحقیقات این‌چنینی از نظریات رایجی چون نظریه مسیر-هدف^۱ و نظریه رهبری اقتضایی^۲ استفاده می‌شود: نظریه مسیر هدف برای اولین بار توسط ایوانز و هوس (Evans & House: 1971) مطرح شد. این نظریه اساساً معطوف به نقش‌های اساسی رهبر در ساختار حاکمیت سیاسی است که عمدتاً از طریق روشن کردن مسیر دستیابی به اهداف و منافع ملت و همچنین از میان برداشتن موانع حرکت ملت، تحقق می‌یابد. نظریه مسیر-هدف یک نظریه کارکردی و پیرو-محور است که مبانی آن در نظریه انتظار وروم (Vroom, 1964) ریشه دارد و دال مرکزی آن این است انگیزه تابعی از انتظار موفقیت و ارزش پاداش است. بر اساس این نظریه رفتارهای رهبر در شرایط گوناگون تابع سبک‌های گوناگونی است که از آن جمله می‌توان به سبک رهبری هدایتگر^۳ (ارائه دستورالعمل‌ها، برنامه‌ها و قوانین خاص در شرایط ابهام)، سبک رهبری حمایتگر^۴

1 Path-Goal Theory

2 Contingency Theory

3 Directive Leadership

4 Supportive Leadership

نشان دادن نگرانی برای رفاه و نیازهای پیروان در شرایط پرفشار)، سبک رهبری مشارکتی^۱ (دخالت دادن افراد متخصص و آگاه در تصمیم‌های حیاتی) و سبک رهبری دستاوردی^۲ (تعیین اهداف چالش‌برانگیز، انتظار عملکرد بالا و نشان دادن اعتماد قوی به توانایی پیروان برای دستیابی به آن‌ها) اشاره کرد. بر اساس هوس و میشل^۳ (House & Mitchell, 1974) انتخاب سبک رهبری تابع عوامل متعددی از جمله ماهیت پیروان (توانایی و تجربه آن‌ها، آگاهی آن‌ها و میزان انسجام آن‌ها)، شرایط محیطی و مهم‌تر از همه توانایی تشخیص رهبر است. این بدان معناست که رهبر باید به دقت زیردستان و محیط را درک و مبتنی بر آن سبکی از رهبری را انتخاب کند که به بهترین شکل مکمل نارسایی‌های موجود باشد. عدم تطابق، سبک رهبری با واقعیت‌های محیطی باعث کاهش انگیزه و در برخی شرایط منجر به هرج و مرج خواهد شد. همچنین نظریه رهبری اقتضایی که توسط فیدلر^۴ (Fiedler: 1964) مطرح شد معطوف به این امر است که ویژگی‌های ذاتی یک رهبر مانند قدرت انگیزش و هوشمندی در انتخاب سبک رهبری مهم‌تر از الزامات محیطی و موقعیتی است. بر اساس این نظریه که به نوعی جبرگرا به شمار می‌رود ذات رهبری فاقد تغییرپذیری بر اساس شرایط محیطی و آموزش است و این باعث می‌شود که در مقابل تغییرات محیطی از ثبات نظر و کنش برخوردار باشد. این رهبران اغلب وظیفه محور هستند و اهداف صریح و مشخصی برای تحقق دارند. این نظریه بنیانی منطقی برای سبک رهبری امام خامنه‌ای برای حفظ انقلاب در شرایط بسیار نامطلوب و غیر ساختارمند تحت فشارهای داخلی و خارجی فراهم می‌کند.

با این حال، این نظریات از حیث معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی با مبانی اندیشگانی انقلاب و منظومه فکری مقام رهبری ناسازگار هستند. معرفت‌شناسی این نظریات مبتنی بر مشاهده تجربی و روانشناسی سکولار است، درحالی که مبانی مشروعیت

1 Participatory Leadership

2 Achievement-Oriented

3 House & Mitchell

4 Fiedler

و عمل رهبر در نظام ولایی ریشه در وحی، فقه و فلسفه سیاسی اسلام دارد. از منظر هستی‌شناسی نیز، این نظریات «رهبر» را یک مدیر قابل جایگزین و «پیرو» را شهروندی با حقوق فردی می‌بینند، حال آنکه در نظریه ولایت فقیه، «ولی فقیه» مجری احکام الهی و نایب امام زمان (عج) است و «مکلف» موظف به اطاعت از اوست؛ بنابراین، این چارچوب‌های نظری غربی قادر به تبیین عمق، مبنا و اهداف رهبری در اندیشه امام خامنه‌ای و انقلاب اسلامی نیستند. بر این اساس، این پژوهش نظریه «ولایت فقیه» را که سنگ بنای نظام سیاسی ایران و چارچوبی بومی و اصیل برای تحلیل ثبات سیاسی-اجتماعی است، به عنوان چارچوب نظری اصلی خود برگزیده است.

نظریه ولایت فقیه یکی از اساسی‌ترین و کانونی‌ترین نظریه‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران است که بر اساس آن در عصر غیبت کبری، یک فقیه عادل، آگاه به زمان، مدیر و مدبر، عهده‌دار امر رهبری جامعه اسلامی و اداره امور سیاسی و اجتماعی می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۵۷: ۴۰). اصول اساسی در این نظریه شامل امامت یعنی حق حاکمیت بر جامعه اسلامی (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۷)، تداوم مسیر امامت در زمان غیبت (نائینی، ۱۳۷۸: ۵۸)، حفظ اسلام و اجرای شریعت و جلوگیری از سلطه کفار بر جامعه اسلامی است (جوادی آملی، ۱۲۳: ۱۳۸۵) و تأمین عدالت اجتماعی است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۲ و ۳). بر اساس این نظریه، ولی فقیه در یک ساختار منحصر به فرد تئوکراتیک-جمهوری قرار دارد که اختیاراتش را هم از مقبولیت مردمی (از طریق مجلس خبرگان - قانون اساسی، اصل ۱۰۷) و هم از مبانی دینی اتخاذ می‌کند. این ترکیب، او را به قوی‌ترین نهاد سیاسی در ایران تبدیل کرده که هم فرماندهی نظامی، هم نظارت بر قوا و هم تعیین ایدئولوژی کلان نظام را بر عهده دارد و اختیارات او را می‌توان با طیف وسیعی از اختیارات حاکمیتی رهبران مختلف جهان در نظام‌های حکومتی گوناگون مقایسه کرد. اگر بخواهیم ارتباط این نظریه را با موضوع تحقیق حاضر مورد واکاوی قرار دهیم، می‌توان گفت که رهبر جامعه اسلامی به استناد بند یکم ماده ۱۱۰ قانون اساسی با وحدت فرماندهی و جلوگیری از پراکندگی قدرت در یک کشور با تنوع قومی، مذهبی و جناحی، از به وجود

آمدن «چنددستگی» و «تعدد مراکز قدرت» که منشأ بی‌ثباتی است، جلوگیری می‌کند. مرور تاریخ انقلاب نشان داده است که ولی فقیه به عنوان مبدأ تصمیم‌گیری نهایی، از تبدیل اختلاف‌نظرها به بن‌بست‌های خطرناک سیاسی جلوگیری کرده است. علاوه بر بنیان قانونی، بنیان ایدئولوژیک رهبری در نظام ولایی ظرفیت و قدرت او را برای حفظ ثبات تقویت کرده است زیرا مشروعیت نظام سیاسی ایران نه صرفاً بر پایه رأی مردم، بلکه بر ترکیب مشروعیت الهی و مردمی استوار است و رهبری نماد این مشروعیت دوگانه است. این پشتوانه ایدئولوژیک باعث می‌شود تا رهبر بتواند بر اساس یک چارچوب ارزشی ثابت، عمل کرده و از فروپاشی هویتی جلوگیری کند. این ظرفیت رهبر هم مستند به اصل ۱۱۲ قانون اساسی یعنی تعیین مصلحت نظام است و هم مبانی فقهی دارد که از آن جمله می‌توان به اختیار تعزیر اشاره کرد (موسوی خمینی، ۱۳۴۸: ۶۱۹). نظارت استصوابی و حفظ اصالت نظام از دیگر ظرفیت‌های نظام ولایی برای حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی است. بر اساس کدیور (۱۳۷۸)، از منظر تنوریک حاکم بر جمهوری اسلامی، ولایت فقیه به عنوان یک «نهاد ثبات‌ساز» عمل می‌کند که با ایجاد وحدت در رهبری، تأمین مشروعیت فرامرمدی، مدیریت بحران‌های فوق‌العاده و پاسداری از هویت ایدئولوژیک نظام، مانع از فروپاشی، چندپارگی و انحراف کشور می‌شود.

۳. پیشینه تحقیق

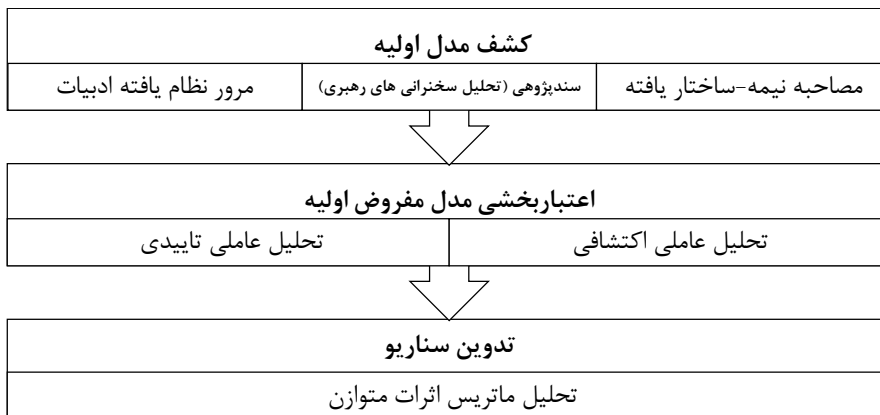
افشنگ، شیرخانی، ترابی (۱۴۰۴) با استخدام روش تحلیل ساختاری ترکیبی دریافته‌اند که بر اساس منظومه فکری رهبر انقلاب، جمهوری اسلامی ایران از لحاظ ساختاری و اندیشگانی دارای ظرفیت‌های وسیعی است که معطوف به سه عامل کلیدی حفظ ثبات ژئوپلیتیک و ژئوایکونومیک، حفظ محور مقاومت و تخریب ساختار تحریم‌ها است. همچنین نتایج تحقیق حاجیانی (۱۴۰۲) با روش آینده‌پژوهی و سناریونویسی پس‌نگرانه نشان داد که سناریوی ناآرامی اجتماعی منجر به تغییر اساسی سیاسی در ایران پیشران‌های زیادی دارد اما به دلیل بار کم این پیشران‌ها امکان تحقق این سناریو کم است. جهانگیری و محمدی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با روش توصیفی و تحلیلی دریافته‌اند نظریه حکمرانی خوب با تأکید

بر مؤلفه‌هایی مانند مشارکت، شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون ظرفیت‌های زیادی برای توسعه پایدار ایجاد می‌کند اما مشروط به ثبات سیاسی است. پورفرد (۱۳۹۶) با روش تحلیل سیستمی نشان داد که ثبات سیاسی در نظام ولایی متأثر از هشت‌گانه رهبری و مشروعیت آن، مشارکت، کارآمدی، مداخله خارجی، رفتار تعاملی، باورها و ارزش‌ها و توزیع عدالت و رشد رفاه است. سلامی و یداللهی (۱۳۹۶) با به‌کارگیری روش نظریه داده‌بنیاد، دفاع منجر به ثبات سیاسی و امنیتی در اندیشه رهبری را معطوف به پنج بعد نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانسته‌اند. شفیعی و دیگران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با روش توصیفی-تحلیلی، نشان دادند که امام‌خامنه‌ای به منظور حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی در کشور در سطوح سیاست‌گذاری کلان، هدایت و مدیریت افکار عمومی، استفاده از نفوذ ولایی، نهادسازی و گفتمان‌سازی، عملکرد کم‌نظیری داشته‌اند؛ و در نهایت، محمدی و معینی‌پور (۱۳۹۰) با بررسی سبک رهبری امام‌خامنه‌ای در حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی پس از فتنه ۸۸ دریافتند که سبک رهبری امام‌خامنه‌ای مبتنی بر گزاره‌های دینی، عقلانیت و پایبندی به قانون اساسی بوده است که از دو روش دفاعی و رفعی استفاده کرده است.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر تلاشی است تا با طرحی نوآورانه در تحقیق با ترکیب مدل‌سازی معادله ساختاری (متشکل از تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی) و تحلیل ساختاری کیفی در ماتریس اثرات متوازن، عامل‌ها و متغیرهای مؤثر در ثبات سیاسی-اجتماعی را در اندیشه رهبر انقلاب کشف و سپس برای حفظ آن از در شرایط کنونی سناریویی مطلوب، معتبر و سازگار با بافت ایران ارائه کند. این طرح تلفیقی تحقیق با دیدگاه کرسول (Creswell, 2008) مبنی بر غنای بیشتر و خروجی جامع‌تر تحقیقات آمیخته و همچنین دیدگاه شان (Shan, 2020) که بر کثرت‌گرایی دیالکتیکی و غنای نتایج در روش تحقیق آمیخته تأکید دارد، سازگاری دارد. علاوه بر آن، استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری نیز که در پارادایم روش‌های تحلیل چند-متغیره قرار دارد، ظرفیت مناسبی برای عینی‌سازی ساخت‌های

ذهنی، نگرش‌ها و حتی ادراکات فراهم می‌کند (Harlow, 2023). این تحقیق از حیث پارادایمی در دسته تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد.
شکل شماره ۱: نمای طرح کلی مطالعه و گام‌های تحقیق



۱-۳. گام‌های پژوهش (شرکت‌کنندگان، ابزارها و شیوه انجام)

۱-۱-۳. کشف مدل اولیه

گام اول ناظر به کشف گزاره‌هایی بود که معطوف به کشف گزاره‌های ثبات سیاسی-اجتماعی در اندیشه رهبری است تا پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی، به عنوان مدل مفروض اولیه ارائه شود و مورد اعتباربخشی قرار گیرد. برای تحقق اهداف این گام، گروهی از خبرگان متشکل از هفت متخصص دانشگاهی در زمینه علوم سیاسی و اندیشه (۵ استادیار و ۲ دانشیار) از دانشگاه‌های قم و برخی شعب دانشگاه آزاد اسلامی در تهران و قم به صورت نمونه برداری غیرتصادفی هدف‌دار انتخاب شدند. به منظور کشف دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و ادراکات این گروه نخبگانی از اندیشه رهبری در زمینه ثبات سیاسی و اجتماعی، از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. گزاره‌ها و مضامین نوظهور حاصل از مصاحبه‌ها، باعث جهت‌گیری مناسب و صحیح مرور نظام‌مند ادبیات تحقیق در زمینه مدل‌های رهبری و اندیشه رهبر انقلاب شد و از این مضامین به عنوان کلیدواژه برای مرور ادبیات مرتبط تحقیق استفاده می‌شد. این مرور به مطالعات انجام‌شده در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۴ محدود بود. هم‌افزایی بین مصاحبه‌ها و مرور ادبیات، به صورت پویا و تکرارشونده و تا زمان حصول اشباع نظری ادامه داشت.

همچنین بدین منظور تمام سخنرانی‌های رهبری پس از دوران زعامت تاکنون به عنوان اسناد پژوهش مورد تحلیل محتوا قرار گرفتند و گزاره‌های مرتبط استخراج شد. در مرحله بعدی و با بهره‌گیری از دستورالعمل دورنیه و تاگوچی (Dornyei & Taguchi, 2010)، گزاره‌ها و مضامین تبدیل به مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای شدند. پایایی مدل اولیه محاسبه شد و اصلاحات لازم بر آن اعمال شد. برای تخمین پایایی، ۳۴ استاد و دانشجوی دکتری علوم سیاسی در گرایش‌های مختلف انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اسپاس نسخه ۲۲ تحلیل شدند.

۳-۱-۲. اعتباربخشی مدل

گام دوم معطوف به اعتباربخشی مدل بود که در دو مرحله تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. در گام تحلیل عاملی اکتشافی که با چرخش وریمکس^۱ انجام شد، تعداد عامل‌های اصلی مدل با استفاده از ارزش ایگن^۲ مشخص شدند. همچنین، متغیرهای وابسته به هر عامل بر اساس مقادیر بار عاملی شناسایی شدند. با توجه به تعداد آیت‌های مدل اولیه، ۱۰۳ استاد و دانشجوی تحصیلات تکمیلی در رشته‌های علوم سیاسی، مدیریت فرهنگی و مدیریت رسانه از دانشگاه‌ها در رشته‌های علوم انسانی از شهرهای قم و تهران به صورت حضوری، یا مجازی در گام تحلیل عاملی اکتشافی مشارکت کردند. داده‌های این گام نیز توسط همان نسخه از نرم‌افزار اسپاس تحلیل شد. مرحله دوم از گام دوم نیز تحلیل عاملی تأیید بود که برای اطمینان از شاخص‌های برازش مدل نوظهور، انجام شد. در این مرحله از تحقیق یک نمونه مستقل شامل ۱۳۲ شرکت‌کننده متشکل از اساتید با مشخصات بالا در رشته‌های علوم انسانی حضور داشتند. داده‌ها با استفاده از افزونه آموس در نرم‌افزار اسپاس تحلیل شدند.

۳-۱-۳. تحلیل ساختاری

گام سوم و نهایی تحقیق، تحلیل ساختاری متغیرهای به دست آمده در مراحل قبلی بود تا به

1 Varimax Rotation

2 Eigen Value

کمک نتایج حاصل از آن، سازگارترین سناریوی حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی در شرایط کنونی کشور تدوین شود. بدین منظور ضریب تأثیر متغیرها در نرم افزار سناریو و یزارد توسط همان گروه خبرگانی تعیین و سازگارترین سناریو به همراه عوامل کلیدی آن مشخص شد.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. ساخت و اعتباربخشی مدل

با توجه به این واقعیت که توسعه و اعتبارسنجی مدل در روش مدل‌سازی معادله ساختاری با فاز کیفی آغاز می‌شود که در آن گزاره‌های مدل مفروض اولیه شناسایی شدند. پژوهش حاضر از یک منبع داده سه‌بخشی برای گردآوری داده‌ها بهره گرفت که شامل مرور نظام‌مند مطالعات معطوف به موضوع تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته با یک پنل خبرگانی و تحلیل محتوای بیانات امام خامنه‌ای از زمان انتخاب به عنوان رهبر انقلاب تاکنون بود. سپس این داده‌ها تحت یک تحلیل محتوای دقیق قرار گرفت و مضامین اولیه و زیر مقولات شناسایی شدند. در این مرحله ۳۶ مضمون کشف شد. پایایی این گزاره‌ها پس از پالایش اولیه توسط همبستگی پیرسون و روایی آن‌ها توسط تحلیل عاملی تعقیبی محاسبه شد. به عبارت دیگر، گام بعدی در توسعه و اعتبارسنجی مدل، ساخت آیت‌ها از مجموعه مضامین و زیر مقولات شناسایی شده، در قالب یک مقیاس لیکرت بود که به عنوان یک مدل اولیه و موقت برای اجرای پایلوت و اعتبارسنجی وارد مراحل بعدی شد. در فرآیند ساخت آیت‌ها، دستورالعمل دورنیه و تاگوچی (Dornyei and Taguchi, 2010) مورد استفاده قرار گرفت. بر همین اساس آیت‌های دوپهلوی^۱ آیت‌های مشابه یا همپوشان، آیت‌های فرسایشی و آیت‌های با ساختار منفی مضاعف^۲ حذف، ادغام و یا در نمونه نهایی پرسش نامه لیکرت اصلاح شد. در نهایت، ۲۲ آیت از ۳۶ مضمون اولیه استخراج و نهایی گردید. در مرحله بعدی، آزمون پایلوت و تخمین پایایی با استفاده از نمونه اولیه تحقیق انجام شد که بخش روش تحقیق توصیف شد. بر اساس یافته‌های حاصل از این بخش، اغلب آیت‌ها به جز سه مورد با مضمون اصلی

1 Double Barreled Items

2 Double-Negating Items

همبستگی مثبت داشتند که از مقیاس مفروض اولیه حذف شدند. خروجی پایایی پرسش نامه که بر اساس همبستگی پیرسون حاصل شد، در جدول شماره ۱ منعکس شده است.

جدول شماره ۱: تخمین پایایی مدل مفروض اولیه بر اساس شاخص همبستگی

تعداد آیتم‌ها	آلفای کرونباخ بر اساس آیتم‌های استانداردشده	آلفای کرونباخ
۲۲	۰/۸۰	۰/۷۹

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ضریب آلفا برابر با ۰/۸۰ است که حاکی از مقدار همبستگی قابل قبول است و بنابراین شاخصی قدرتمند برای پایایی مقیاس حاضر است. در گلم بعدی تحقیق، اعتبارسنجی مدل با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی پیگیری شد. کاهش عامل‌های کشف شده منطبق استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی است بدین نحو که مجموعه بزرگی از داده‌ها را به مجموعه کوچک تری از متغیرهای هم‌آور که واریانس عامل‌های اصلی را تبیین می‌کنند، کاهش می‌دهد. چرخش وریمکس^۱ به‌عنوان معیار کاهش عاملی انتخاب شد. سپس، مطابق گولدرگ و ولیسر (Goldberg & Velicer, 2006) پیش‌فرض‌های تحلیل عاملی اکتشافی از جمله ماهیت داده‌ها، استقلال مشاهدات، رابطه خطی میان متغیرها، کفایت نمونه، قابلیت عاملیت پذیری مجموعه داده و نبود داده‌های برون‌هسته معنادار مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره ۲: آزمون کی‌ام‌او و بارتلت برای کفایت نمونه و بررسی عاملیت پذیری

مقیاس کی‌ام‌او برای کفایت نمونه	۰/۷۸۴
آزمون کرویت بارتلت	شخص تقریبی مربع خی ۶۷۳۹/۰۵
درجه آزادی	۴۰۶
معناداری	۰/۰۰۱

بر اساس پالانت (۲۰۱۳) ارزش کی‌ام‌او بالاتر از ۰/۶ شاخص قابل قبولی برای کفایت نمونه است. این بدان معنا است که داده‌ها، ماتریس همانی تولید کرده و بنابراین از نظر

آماري نرمال و برای تحلیل‌های بیشتر در مطالعات چند متغیره قابل پذیرش هستند. همچنین، هم‌زمان با این پردازش، تحلیل مؤلفه‌های اصلی در نرم‌افزار اسپاس انجام شد. مطابق با تاباخنیک و فیدل (Tabachnick & Fidell, 2007)، چهار مؤلفه با مقدار ویژه ارزش ایگن بزرگ‌تر از عدد یک شناسایی شد که هر یک نشان‌دهنده یک عامل بود. همچنین مشخص شد که این چهار عامل بیش از ۷۹ درصد از واریانس کل مجموعه داده را تبیین می‌کنند. همچنین بر اساس بار عاملی، ۲۲ متغیر ذیل این چهار عامل شناسایی شد. این عامل‌ها و متغیرها همراه با توصیفات آن‌ها در جدول زیر ارائه شده است:

جدول شماره ۳: عوامل و متغیرهای مدل ثبات سیاسی-اجتماعی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی

عامل‌ها	آیتم	متغیرها	بار عاملی
ساختار ثبات	۱	ساختارسازی و تشکیل شوراهای بین‌نهادی اقتضایی در بحران	۰٫۸۳
	۲	متعادل‌سازی نهادی از طریق ظرفیت‌های هم‌عرض، طولی و ناظر در بحران	۰٫۷۶
	۳	بحران‌زدایی درون‌زاد با مردمی‌سازی امنیت از طریق بسیج	۰٫۸۸
	۴	حفظ قیومیت اقتصادی نظام و کنترل محیط رسانه‌ای اطلاعاتی در بحران	۰٫۷۵
	۵	حفظ رابطه تعاملی با نخبگان سیاسی مخالف و حفظ گشودگی سیاسی در انتخابات	۰٫۸۱
	۶	همسان‌سازی ایدئولوژیک-ملی‌گرایانه در مناصب راهبردی سیاسی و نظامی	۰٫۶۹
مکانیسم ثبات	۷	التزام عملی به اولویت قانون بر همه فرایندها	۰٫۹۰
	۸	تدوین راهبردهای پیش‌نگرانه رقابتی، تکوینی و با قابلیت بازخورد آنی	۰٫۸۷
	۹	استفاده از ظرفیت‌های رهبری‌گشتاری در ارائه نوید راهبردی و رسیدن به قله	۰٫۸۸
	۱۰	متناسب‌سازی سازوکار قضایی از طریق تعدیل	۰٫۶۳

	احکام فقهی مانند محاربه، عفو و ...		
۰/۷۶	نظام‌مندسازی بازآفرینی‌های آئینی ایرانی - اسلامی قدرت‌ساز مانند ۲۲ بهمن، ۸ دی	۱۱	
۰/۸۳	برساخت سینرژیک از ارزش‌های انقلابی - منافع ملی	۱۲	معرفت‌شناسی ثبات
۰/۸۱	مشروعیت‌افزایی تتوکراتیک نظام ولایی	۱۳	
۰/۷۶	تقریب معرفتی کاردگرایی - تکلیف / انقلابی‌گری - واقع‌گرایی	۱۴	
۰/۸۸	کلیدواژه‌سازی گفتمانی و استفاده از الگوهای بلاغی مشروعیت‌زدا از دشمن	۱۵	
۰/۶۹	احیای تفکر انعکاسی در ملت با تطبیق تاریخی رخدادها و عبرت‌ها	۱۶	
۰/۸۹	قالب‌زنی و برجسته‌سازی پیش‌دستانه تهدید خارجی از طریق سخنرانی	۱۷	
۰/۸۸	دشمن‌شناسی - چالش‌شناسی پیش‌گسترانه و ارزشیابی و اولویت‌بندی آن‌ها	۱۸	پراگماتیک ثبات
۰/۷۵	استفاده کمینه از شئون اختیارات ولایی برای حل بحران	۱۹	
۰/۷۹	استفاده از ظرفیت‌های هویتی، قومی، جغرافیایی، هنری، ورزشی و ... در انسجام ملی	۲۰	
۰/۹۱	توفیق در بازنمایی کاربزماتیک امام خمینی و حفظ و تعالی معیارهای رهبری	۲۱	
۰/۸۱	مشی صحیح در بحران با بی‌طرفی در منازعات، جذب حداکثری و حفظ نفوذ عمومی	۲۲	

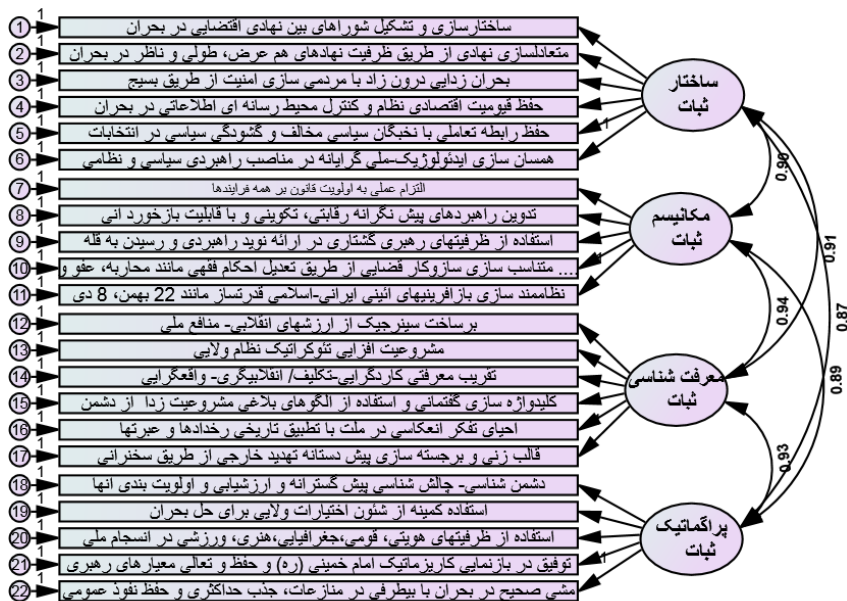
نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که رهبر انقلاب برای مدیریت و حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی از چهار عامل و ۲۲ متغیر استفاده می‌کند که اغلب آن‌ها در حیطه کنش‌های ایجابی کم‌هزینه و مؤثر قرار دارند و برخلاف مدل‌های غربی و استبدادی و حتی الگوهای غربی دموکراتیک کمتر از ظرفیت کنش‌های سلبی رهبری حتی در چارچوب کنش‌های مشروع مانند اختیارات قانونی و ولایی، استفاده می‌کند. بعد از تعیین و اعتباربخشی انگاره

نهایی، میزان انطباق نتایج حاصل شده با واقعیت‌های محیطی و یافتی در کشور به کمک تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد که شاخص‌های برازش آن در جدول زیر گزارش شده است.

جدول شماره ۴: شاخص‌های برازش حاصل شده از تحلیل عاملی تأییدی

نتیجه‌گیری	سطح قابل قبول	سطح مشاهده شده	شاخص
قابل پذیرش	کمتر از ۳	۱/۰۱	مربع خی
قابل پذیرش	بیشتر یا مساوی ۰/۹۰	۰/۹۳	شاخص انطباق مبتنی بر نرم
قابل پذیرش	بیشتر یا مساوی ۰/۹۰	۰/۹۱	شاخص انطباق مقایسه‌ای
معنادار	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۱	ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین

شاخص‌های برازش به دست آمده از تحلیل عاملی تأییدی مؤید انطباق نتایج حاصل شده با واقعیت‌های بافت سیاسی و اجتماعی کشور است و بدان معنا است که نتایج حاصل شده دارای اعتبار است. هم‌زمان با تحلیل عاملی تعقیبی، استخراج انگاره‌نهایی از طریق افزونه آموس در نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس (نسخه ۲۲) حاصل شد که در شکل زیر ارائه شده است. شکل شماره ۲: خروجی نهایی مدل ایجاد ثبات سیاسی-اجتماعی در منظومه فکری رهبر انقلاب



یکی دیگر از اهداف تبیین شده در مطالعه حاضر تدوین مطلوب‌ترین سناریو برای حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی در شرایط کنونی کشور و پس از جنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی است. بدین منظور از نظرات نخبگان تحقیق در ماتریس اثرات متوازن در نرم افزار سناریو و یزارد استفاده شد. نتایج حاصل از این تحلیل نشان داد که ۴ سناریوی سازگار (با ارزش سازگاری معنادار) و تعداد بیشتری نیز سناریو با درجه‌های سازگاری متوسط و ضعیف برای حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی کشور در برهه کنونی وجود دارند که ما در این بخش به مطلوب‌ترین سناریوی کشف شده، اشاره کرده‌ایم و آن را مورد تحلیل قرار داده‌ایم:

جدول شماره ۵: مطلوب‌ترین سناریوی حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی کشور

در برهه پساجنگ تحمیلی ۱۲ روزه

سازگاری	عامل کلیدی	ماهیت	وزن	محور اصلی
۹۱	ایجاد سینرژی بین منافع انقلاب-ایران و ظرفیت‌های میدان- دیپلماسی	مطلوب	۳	اتحاد هم‌افزا
۹۲	آگاهی‌افزایی ایدئولوژیک، هنجاری، حقوقی و سیاسی نسبت به عملکرد نظام	مطلوب	۲	مشروعیت‌افزایی
۹۴	ایجاد شور، امید و نشاط راهبردی برای خدمت، پیشرفت و دفاع از حقوق ملت	مطلوب	۳	شورافزایی راهبردی

همان‌طور که در جدول شماره ۵ نشان داده شده است، مطلوب‌ترین سناریوی برای حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی در برهه کنونی دارای سه زیر-راهبرد اصلی که دارای سازگاری و وزن مطلوبی در بافت کنونی کشور تعیین شده است. نتایج حاصل از این بخش با تحلیل محتوای بیانات رهبر معظم انقلاب در روزهای بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و تکالیف راهبردی ابلاغی از سوی ایشان تناظر دارد. تبیین و بحث این یافته‌ها با تفصیل بیشتری در بخش زیر آمده است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از تحقیق حاضر از لحاظ نظری با دیدگاه‌های نئوریک در نظریه‌های، سیستمیک، کارکردگرایی و نفوذ معنوی رهبری با خوانشی اسلامی و متفاوت از کاریزما در نظریه وبر سازگاری دارد. علاوه بر آن نتایج تحقیق حاضر با شفيعی و دیگران (۱۳۹۵) مبنی بر نقش آفرینی رهبری در مهار بحران‌ها تطابق دارد که بر اساس آن رهبر معظم انقلاب در سطح مدیریت ثبات از طریق سیاست‌گذاری کلان، هدایت افکار عمومی، نهادسازی، گفتمان‌سازی (مانند اقتصاد مقاومتی، بیداری اسلامی)، تحکیم وحدت ملی و انسجام اسلامی و در سطح مدیریت بی‌ثباتی و واکنش به بحران‌ها از طریق مدیریت هوشمندانه رخدادهای بی‌ثبات‌کننده در سه مرحله قبل، حین و پس از وقوع بحران با تدابیری چون روشنگری، افشاگری، نصیحت، قانون‌گرایی و درنهایت برخورد قاطع. مواردی چون قتل‌های زنجیره‌ای، حادثه کوی دانشگاه، فتنه ۸۸، جنگ‌های خلیج فارس و دادگاه میکونوس کنش عاملانه و مؤثر داشته است. همچنین نتایج تحقیق حاضر مؤید یافته‌های سلامی و یداللهی (۱۳۹۶) است که نشان می‌دهد که این ثبات، محصول یک عامل واحد نیست، بلکه اساساً توسط الگویی پیچیده و پویا از رهبری ولی فقیه اداره می‌شود که تحت هدایت مکانیسم‌های ایدئولوژیک، راهبردی و عمل‌گرا عمل می‌کند. علاوه بر آن، الگوی به‌دست آمده در مطالعه حاضر با الگوی افشنگ و دیگران (۱۴۰۰) هم‌پوشانی کارکردی دارد که پیش‌تر دریافته بودند که نقش رهبری فراتر از صرف مدیریت بحران است به نحوی که این نقش فرآیندی مستمر از

رویکردهای حفاظتی پیش‌گسترانه^۱ است که از طریق تعیین سیاست کلی نظام، گفتمان‌سازی و جامعه‌پذیری ایدئولوژیک، بازتعریف اولویت‌های ملی و هدایت افکار عمومی محقق می‌شود. این کارکرد پیشگیرانه به منظور جلوگیری از بی‌ثباتی از طریق شکل‌دهی به فضای سیاسی و شناختی طراحی شده است و اطمینان حاصل می‌کند که هنجارهای محوری نظام و هویت انقلابی آن هژمونیک باقی بمانند.

یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی تعقیبی نشان داد که مدل ثبات سیاسی و اجتماعی در اندیشه و مشی رهبری دارای چهار بعد «ساختار ثبات»، «مکانیسم ثبات»، «معرفت‌شناسی ثبات» و «پراگماتیک ثبات» است که در خود ۲۲ متغیر را جای داده است. تطبیق این مدل با واقعیت‌های رهبری ایشان نشان داد که مدل تدوین‌شده از شاخص‌های برازش خوبی برخوردار است. همچنین نتایج تحلیل ساختاری نخبگانی نشان داد که سناریوی مطلوب در بردارنده سه محور «اتحاد هم‌افزا» با عامل کلیدی ایجاد سینرژی بین منافع انقلاب-ایران و ظرفیت‌های میدان-دیپلماسی، «مشروعیت افزایی» با عامل کلیدی آگاهی‌افزایی ایدئولوژیک، هنجاری، حقوقی و سیاسی نسبت به عملکرد نظام و «انگیزش راهبردی» با عامل کلیدی ایجاد شور، امید و نشاط راهبردی برای خدمت، پیشرفت و دفاع از حقوق ملت است. لذا این مقاله نتیجه می‌گیرد که ولایت مطلقه فقیه و رهبری امام‌خامنه‌ای به‌عنوان عاملی پیشتاز، اصلی‌ترین رکن حفظ ثبات، کارآمدی و ماندگاری نظام جمهوری اسلامی بوده است. توانایی ایشان در ترکیب مشروعیت دینی، نفوذ معنوی و مدیریت سیاسی هوشمندانه، کشتی نظام را از طوفان‌های داخلی و خارجی عبور داده است.

با تطبیق یافته‌های پژوهش حاضر با ادبیات نظری موجود، می‌توان نتیجه گرفت که مدل ثبات سیاسی-اجتماعی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی واجد یک انسجام مفهومی و کارکردی میان سه ساحت نهادی، راهبردی و معرفتی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که ساختارسازی تعادلی و مردمی‌سازی امنیت در این منظومه همانند آنچه بشیریه (۱۳۷۲) و حسینی (۱۳۸۱) مطرح کرده‌اند، بنیان‌پایداری نظام را در بستر مشارکت اجتماعی و

ظرفیت‌سازی نهادی فراهم می‌سازد. در سطح مکانیسمی، تأکید بر راهبردهای پیش‌نگرانه، بازتولید آیین‌های هویتی و اولویت قانون با تحلیل‌های شفיעی (۱۳۷۸) درباره بازآفرینی سرمایه نمادین قدرت جهت مدیریت بحران‌ها همسو است. همچنین نتایج معرفت‌شناختی، نشان‌دهنده مشروعیت‌افزایی تئوکراتیک، دشمن‌شناسی و برجسته‌سازی تهدیدات بوده که در امتداد دیدگاه‌های مهدوی‌زادگان (۱۳۸۴) درباره نقش گفتمانی رهبری در تحکیم مشروعیت ولایی قابل تفسیر است. در نهایت، بُعد پراگماتیک ثبات که بر حداقلی‌سازی مداخله ولایی، جذب حداکثری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های هویتی و فرهنگی تمرکز دارد، با یافته‌های افتخاری و حسین‌زاده (۱۳۹۰) درباره حکمرانی مشارکت‌محور در وضعیت‌های بحرانی انطباق دارد؛ بنابراین، مدل به دست آمده نه تنها تأییدکننده بخش مهمی از مباحث نظری پیشین است، بلکه آن‌ها را در قالب یک چارچوب تحلیلی منسجم و کارکردگرا ارتقا داده و به تبیین دقیق‌تر سازوکارهای حفظ ثبات در جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند.

علاوه بر آن، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدل ثبات سیاسی — اجتماعی در منظومه فکری رهبر انقلاب با مضامین موجود در بیانات ایشان که در مقاله مورد بررسی استخراج شده اند، همخوانی کامل دارد و این همخوانی در چهار بُعد اصلی قابل مشاهده است. در بعد ساختار ثبات، شاخص‌هایی چون مردمی‌سازی امنیت، حفظ پیوند با نخبگان و تأکید بر قانون‌گرایی، به صورت مستقیم در بیانات ایشان درباره نقش بصیرت مردم در مقابله با فتنه (۱۵ مهرماه ۱۳۸۸) و فصل الخطاب بودن قانون (۲۲ اردیبهشت ۸۸) نمود یافته‌اند. در سطح مکانیسم ثبات، اصولی همچون راهبردهای پیش‌نگرانه، هدایت افکار عمومی و تبدیل آیین‌های سیاسی — دینی به ابزار انسجام، دقیقاً با بیانی همچون آرمان‌گرایی واقع‌بینانه (۱۴ شهریور ۱۳۹۲) و ساخت درونی قدرت (یکم مهرماه ۱۳۹۲) همسو هستند. مضاف بر آن، در معرفت‌شناسی ثبات، رویکرد تهدیدشناسی، برجسته‌سازی جنگ نرم و حفظ روایت رسمی از بحران، با تحلیل ایشان از فتنه ۸۸ (۸ شهریور ۱۳۸۸) مطابقت دارد. همچنین در بعد پراگماتیک ثبات، رویکرد جذب حداکثری و دفع حداقلی (۲۰ شهریور ۱۳۸۸) و مدیریت حداقلی بحران با تکیه بر ظرفیت‌های اجتماعی و هویتی، دقیقاً با

مضامین مطالعه شده در مدل تطابق دارد؛ بنابراین، نتایج نشان می‌دهد که مدل توسعه یافته نه تنها ریشه در نظام مفهومی اندیشه رهبری دارد، بلکه مبتنی بر شواهد متنی از بیانات صریح ایشان بوده و می‌تواند به عنوان چارچوبی معتبر و بومی برای تبیین و تقویت سازوکارهای ثبات در جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

با نگاهی دقیق‌تر به نتایج حاصل شده در این نوشتار می‌توان دریافت که یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد ابعاد مدل ثبات سیاسی و اجتماعی ارائه شده در اندیشه رهبر انقلاب ادامه منطقی و توسعه یافته‌ای از مبانی نظری و مدیریتی امام خمینی است. در بعد ساختار ثبات، تأکید بر مردمی‌سازی امنیت و مشارکت اجتماعی، ریشه در نگاه امام مبنی بر اینکه مردم صاحبان اصلی نظام اسلامی هستند و رأی ملت معیار مشروعیت سیاسی است دارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۹۵). همچنین نقش نهادهایی چون بسیج در امنیت و ثبات کشور و ضرورت حفظ پیوند مستمر بین نخبگان و حاکمیت نیز در بیانات امام برجسته است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۲۹). در بعد مکانیسم ثبات، اصولی همچون هدایت افکار عمومی، پیش‌بینی‌پذیری تحولات و اولویت اتحاد و انسجام ملی بر مبنای تأکید امام بر ضرورت برادری و وحدت برای بقای انقلاب تبیین می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۲۵۴). در بعد معرفت‌شناسی ثبات، توجه به دشمن‌شناسی، حفظ هویت انقلابی و مقابله با استکبار جهانی از مبانی اصلی نظریه ولایت فقیه امام به شمار می‌رود (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۴۸). در نهایت، بعد پراگماتیک ثبات با شاخص‌هایی چون جذب حداکثری، پرهیز از حذف نیروهای اجتماعی و استفاده حداقلی، حکیمانه و اقتضایی از اختیارات ولایی، کاملاً منطبق با سیره مدیریت دهه نخست انقلاب است که در آثار تحلیلی اندیشه امام نیز تبیین شده است (محللاتی، ۱۳۸۱؛ فوزی، ۱۳۹۹). در نتیجه مدل پژوهش حاضر نه تنها با چارچوب رهبری کنونی سازگار است، بلکه بر بنیان نظری و عملی اندیشه امام خمینی استوار بوده و قابل دفاع به عنوان الگویی بومی برای حکمرانی ثبات در جمهوری اسلامی ایران است.

یافته‌های این پژوهش گویای آن است که مدل ثبات در منظومه فکری رهبر انقلاب،

صرفاً یک مدل واکنشی برای مدیریت بحران نیست، بلکه یک الگوی پیش‌کنشی و زنجیره‌ای است که ثبات را محصول پیوندی ساختارمند و چند لایه می‌داند. این مدل از یک «ساختار» نهادی مانند هم‌افزایی بین نهادی آغاز می‌شود، توسط مکانیسم‌های عملیاتی مانند راهبردهای پیش‌نگرانه و قانون‌مداری به حرکت درمی‌آید، بر پایه یک معرفت‌شناسی قوی مبتنی بر مشروعیت‌افزایی و دشمن‌شناسی استوار شده است و در نهایت، در سطح پراگماتیک با حداقل‌سازی هزینه (مانند استفاده کمینه از اختیارات ویژه رهبری) به بهره‌وری حداکثری می‌رسد. نکته کلیدی که این مدل را از الگوهای رهبری کلاسیک که در بالا بحث شد، متمایز می‌کند، تأکید بر کنش‌های ایجابی و کم‌هزینه در مقایسه با مدل‌های سلسله‌مراتبی و آمرانه است. برای نمونه، متغیرهایی مانند «مردمی‌سازی امنیت از طریق بسیج» و «استفاده از ظرفیت‌های هویتی و قومی» حاکی از آن است که در این الگو، ثبات نه از طریق سرکوب یا تحمیل که از مسیر جذب و مشارکت حداکثری و فعال‌سازی سرمایه‌های اجتماعی تأمین می‌شود. همچنین، سناریوی نهایی با سه محور «اتحاد هم‌افزا»، «مشروعیت‌افزایی» و «شورافزایی راهبردی» نیز به خوبی نشان می‌دهد که نقطه ثقل ثبات بخشی در شرایط حساس، نه بر تنش‌آفرینی یا انقباض که بر ایجاد هم‌افزایی بین مؤلفه‌های مختلف قدرت (میدان و دیپلماسی)، تقویت سرمایه اجتماعی از طریق آگاهی‌بخشی و تزریق امید راهبردی به بدنه جامعه استوار است. این یافته به صورت ضمنی به برتری الگوی «قدرت نرم» و «مقبولیت» در ایجاد ثبات پایدار در برابر الگوهای صرفاً قهری تأکید دارد.

به صورت خلاصه، تحلیل مبانی فکری و اندیشه‌ای رهبر انقلاب و مشی عملی ایشان نه تنها ظرفیت‌تیینی و توصیفی دارد بلکه امکان استفاده از آن‌ها در استنباط‌های پیش‌بین و مدل‌های آینده‌پژوهانه وجود دارد. لذا پیشنهاد می‌شود که در این زمینه تحقیقات آینده‌پژوهانه منسجمی انجام شود و از ظرفیت‌هایی مانند تحلیل ساختاری در ماتریس اثرات متقابل نیز استفاده شود. علاوه بر آن محتوای بیانات امام خامنه‌ای دارای انسجام گفتمانی بسیار قدرتمندی است و از پیوستگی و انسجام معنایی-ساختاری برخوردار است.

لذا پیشنهاد می‌شود از رویکردهای نظریه‌سازی داده-بنیاد مبتنی بر این پایگاه داده عظیم، نظریات مدیریتی و حاکمیتی استخراج شود و در اختیار کارگزاران نظام قرار داده شود. گزاره‌های به دست آمده در تحقیق حاضر تغذیه مناسبی برای تحقیقات ماهیت پژوهانه است که در رویکردهای آینده پژوهی قابل استفاده است.

تشکر و سپاسگذاری

بدین وسیله از تمام پژوهشگرانی که مطالعاتشان در این پژوهش به کار رفت، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

تعارض منافع

این مطالعه برای نویسنده هیچ گونه تضاد منفعی به همراه نداشته است.

منابع مالی

این پژوهش هیچ کمکی از سازمان‌های تأمین مالی عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

کتاب‌نامه

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- افتخاری اصغر، حسین زاده ابوالحسن (۱۳۹۰). اصول و ارکان الگوی مدیریت سیاسی امام خمینی. مطالعات انقلاب اسلامی. ۸ (۲۶). ۱۱-۳۸.
- افشنگ، راشد و شیرخانی، علی و ترابی، محمد (۱۴۰۴). متغیر شناسی راهبرد امنیتی ایران پس از هفتم اکتبر بر اساس نظریه نقش: ارائه سناریوی سازگار بر اساس اندیشه رهبری. مطالعات راهبردی بسیج. ۲۸ (۱۰۷). ۵۳-۸۹.
- بشیری، حسین (۱۳۷۲). انقلاب و بسیج سیاسی. تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- پورفرد، مسعود (۱۳۹۶). ثبات سیاسی در نظام مردم سالاری دینی. سیاست متعالیه. ۵ (۱۹). ۶۴-۴۳.
- جهانگیری، سعید و محمدی، فاضل (۱۴۰۰). تبیین نقش ثبات سیاسی در نظریه حکمرانی خوب. دولت پژوهی ایران معاصر. ۷ (۴). ۱۲۴-۱۴۲.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۴۰۲). آینده ثبات سیاسی ایران تحت تأثیر ناآرامی‌های اجتماعی ۱۴۰۱. انقلاب پژوهی. ۲۱ (۲). ۲۶۷-۲۹۶.
- حسینی، سید حسین (۱۳۸۱). رهبری و انقلاب: نقش امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران. تهران، پژوهشکده امام خمینی *
- سلامی، حسین و یداللهی، رضا (۱۳۹۶). ارائه الگوی دفاعی حاکم بر اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای علیه السلام. مطالعات دفاعی استراتژیک. ۱۵ (۶۹). ۵-۳۲.
- شفیعی، عباس (۱۳۷۸). سبک رهبری امام خمینی. تهران، امیرکبیر
- شفیعی، احمد و برزگر، ابراهیم (۱۳۹۵). نقش ولایت و رهبری در ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی رهبری امام خامنه‌ای علیه السلام). فصلنامه آفاق امنیت. ۹ (۳۰). ۵-۴۰.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۹). اندیشه سیاسی امام خمینی. قم، نشر معارف
- محللاتی، سروش (۱۳۸۱). مبانی فکری و سیاسی امام خمینی. قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- محمدی، منوچهر و معینی پور، مسعود (۱۳۹۱). اصول حاکم بر سبک مدیریت رهبر انقلاب اسلامی در کنترل و مهار وقایع انتخابات ۱۳۸۸. پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۱۱ (۱). ۲۹-۵۵.
- مهدوی زادگان، داوود (۱۳۸۴). شیوه رهبری امام خمینی و سیادت وبری. علوم سیاسی. ۲۹ (۱). ۱۴۷-۱۸۴.
- موسوی خمینی، امام روح الله (۱۳۴۸). ولایت فقیه. تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

موسوی خمینی، امام روح الله (۱۳۶۸). صحیفه امام (جلدهای ۶-۱۵). تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

Afshang, R., Shirkhani, A., & Torabi, M. (2025). Motaghayyer-shenasi-ye rahbord-e amniyati-ye Iran pas az haftom-e Oktobar bar اساس-e nazariye-ye naqsh: Erteye-ye senaryo-ye sāzegar bar اساس-e andisheh-ye rahbari [Variable identification of Iran's security strategy after October 7 based on role theory: Presenting a compatible scenario based on the Leader's thought]. *Motale'at-e Rahbordi-ye Basij*, *28*(107), 53–89.

Bakhash, S. (1990). *The reign of the ayatollahs: Iran and the Islamic Revolution*. Basic Books.

Bashiriyeh, H. (1993). *Enqelab va basij-e siyasi* [Revolution and political mobilization]. University of Tehran Press.

Boin, A. Hart, P. T. Stern, E. & Sundelius, B (2005). *The politics of crisis management: Public leadership under pressure*. Norman.

Brumberg, D (2001). *Reinventing Khomeini: The struggle for reform in Iran*. University of Chicago Press.

Burns, J. M (1978). *Leadership*. Harper & Row.

Dornyei, Z. & Taguchi, T. (2010). *Questionnaires in Second Language Research: Construction, Administration and Processing*. Routledge.

Fouzi, Y. (2020). *Andisheh-ye siyasi-ye Emam Khomeini* [Political thought of Imam Khomeini]. Ma'araf Publication.

Goldberg, L. R. & Velicer, W. F. (2006). Principles of Exploratory Factor Analysis. In S. Strack (Ed.), *Differentiating normal and abnormal personality* (pp. 209–237). Springer Publishing Company.

Hajiani, E. (2023). *Ayandeh-ye sabat-e siyasi-ye Iran tah-t tasir-e nāarami-ha-ye ejtemai-ye 1401* [The future of Iran's political stability under the influence of the 2022 social unrests]. *Enqelab-pajouhi*, *1*(2), 267–296.

Hosseini, S. H. (2002). *Rahbari va enqelab: Naqsh-e Emam Khomeini dar enqelab-e eslami-ye Iran* [Leadership and revolution: The role of Imam Khomeini in the Islamic Revolution of Iran]. Imam Khomeini Research Institute.

House, R. J (1971). *A path-goal theory of leader effectiveness*. Normans.

Huntington, S. P (1968). *Political order in changing societies*. Routledge.